

إعداد خطيب ماهر

بسم الله الرحمن الرحيم

تمام ثناء و ستایش الله را است، او را ستایش می کنیم و از او کمک می طلبیم و از او طلب مغفرت می کنیم، و به الله تعالی از شر نفس های خود و از بدی اعمال خود پناه می بریم، هر آنکه را وی هدایت کند هیچ گمراه کننده ای برای او نیست، و کسی را که گمراه کند هیچ هدایت کننده ای برای او نیست، و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حق جز الله نیست، یگانه است و هیچ شریکی ندارد، و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر وی است، درود و سلام فراوان الله بر او و بر آل و اصحاب وی، و بر کسانی که به نیکی از آنها پیروی کرده اند، باد. اما بعد: از آنجا که مردم همواره به چیزی نیاز دارند که احوالشان را اصلاح کند، شریعت احکامی آورده است که این امر را برآورده می سازد، و از آن جمله موارد مربوط به خطبه جمعه است، و به همین دلیل مسئولیت خطیب جمعه مسئولیت بزرگی است، و از این رو بر تهیه کتابی تحت عنوان: (المختصر المفید للمؤذن والإمام والخطیب وأحكام المساجد)¹، و ترجمه آن به چندین زبان نمودیم، که شامل چندین موضوع می باشد، از جمله:

نماز جمعه و مفهوم آن، و وقت آن، و برخی از احکام متعلق به مکلف، و همچنان خطبه جمعه، و حکم، شروط، ارکان، سنن، و ترجمه آن، و همچنان شامل ویژگی هایی می باشد که باید در خطیب فراهم باشد از قبیل ویژگی های علمی و اخلاقی، و آداب خطبه و خطیب، و غرض از آن و اهداف آن، و چگونگی تهیه آن.

¹ - <https://islamcontent.com/ar/single-content/74839>

و از آنجایی که موضوع دارای اهمیت بالایی بود، این رساله دوم به نام (إعداد خطیب ماهر) به منظور توسعه و تکمیل کتاب قبلی ارائه گردید.

از الله متعال می خواهیم که عمل ما را صالح، و صرفاً به خاطر خودش قرار دهد، و در آن برکت دهد، و الله اعلم، و صلوات و درود الله بر پیامبر ما محمد باد.

(اهمیت خطبه)

منبر جمعه: از قوی ترین - بلکه قوی ترین - وسایل تأثیرگذاری بر مردم است اگر به درستی به کار گرفته شود؛ زیرا خطیب هفته ای یک بار در طول سال های کم یا زیاد مردم را مخاطب قرار می دهد، و آنان ذهن های خود را به روی او گشوده و سینه های شان را برایش گشاده اند، پس به چیزی غیر از او مشغول نمی شوند حتی با دست زدن به سنگ ریزه ها، نصایح، مواعظ، درس ها و عبرت ها را به شکل مکرر و مستمر از او فرا می گیرند.

و خطیب موفق و کامیابی که الله متعال به او اسلوب قانع کننده و بیان قوی عطا نموده است، بدون شک تأثیر بسیار عمیقی بر آنان خواهد گذاشت، و چه بسا تأثیر او شدیدتر و قوی تر از تأثیر معلم بر شاگردانش، و شدیدتر از تأثیر شبکه های اجتماعی باشد؛ زیرا خطبه به عبادت بزرگی مرتبط است که همان نماز می باشد؛ و به این دلیل که خطیب سخنور، نصیحت گرو و بلیغ مستقیماً مردم را مورد خطاب قرار می دهد در حالی که در برابر آنان ایستاده است، و آنان حالات چهره و نگاه های چشمان او را مشاهده می کنند، پس از طریق حس شنوایی و بینایی بر آنان تأثیر می گذارد، و قلب ها و عقل های شان را لمس می کند، و در تمام مدت خطبه اش به او گوش فرا می دهند، و برایشان حجت ها

و براهین عقلی و نقلی ارائه می‌کند که از طریق آن‌ها می‌تواند - به اذن الله متعال - آنان را قانع سازد و مفاهیم‌شان را تصحیح نماید.

خطیب کامیاب و موفق: کسی است که منبر را یکی از مهم‌ترین دروازه‌های نشر خیر و علم قرار داده و بر آن اکتفا نکرده است، بلکه به قدر استطاعت خویش در هر میدانی از میدان‌های خیر و نیکی دارای مشارکت‌ها و سهم‌گیری‌هایی می‌باشد، هر جا که خیر باشد او را یکی از پیشگامان آن می‌یابی، و هر جا که فداکاری در راه الله باشد او را یکی از سربازان آن می‌یابی.

پس این خطیب: کسی است که به دعوت به سوی الله و نفع رساندن به مسلمانان اهتمام می‌ورزد، -همان‌گونه که پیامبران و رسولان -علیهم الصلاة والسلام-، و علما و دعوتگران مخلص برای امت اسلام بودند-، و بر نوآوری، جذب و تشویق شنوندگانش حریص است.

پس بسیاری از خطیبان هستند که ویژگی‌های یک خطیب در آنان فراهم است، اما خطبه‌ی آنان ثمره مورد انتظار را نداشته است؛ چنانکه برای خطیبی که رسالت را با صدق و اخلاص بر دوش می‌کشد، مطلوب است.

و در هر جمعه موضوعی را برای آنان مطرح می‌نماید که با احساسات و نیازمندی‌هایشان پیوند دارد و قلب‌هایشان را مجذوب می‌سازد، و در طول یک سال پنجاه مرتبه با آنان ملاقات می‌نماید، پس آیا وسیله‌ای وجود دارد که تأثیر آن از این وسیله قوی‌تر باشد؟ پس جای تعجب نیست که خطبه‌ی جمعه از شریف‌ترین شعائر اسلام، و یکی از مهم‌ترین میدان‌های دعوت به سوی الله و تبلیغ شریعت او، و اقامه‌ی حجت بر بندگان می‌باشد، و این همان چیزی است که دشمنان اسلام آرزو می‌کنند تا در دین‌شان نیز مانند آن وجود

داشته باشد، تا جایی که یکی از رهبران احزابی که با اسلام می‌جنگند، گفته است: «آه، اگر نزد من مانند این منبرها می‌بود؟!».

«شرافت علوم و صنایع به اندازه شرافت اهداف آنهاست، و خطابه دارای هدفی پس مهم و خطیر است که عبارت است از ارشاد مردم به سوی حقایق، و تشویق آنان به آنچه در این زندگی و در آن زندگی آخرت برایشان سودمند می‌باشد».

و خطابت از جمله وسایل سیادت و زعامت به شمار می‌رود.. پس در خطابه: شرف بزرگی است، و شرف آن در این است که عهده‌دار آن، آگاه، عالم و بلیغ باشد».¹

و شارع بر نمازگزار واجب نموده است که به تو - ای برادر خطیب - در اثنای خطبه‌ات گوش فرا دهد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: «اگر به هم نشینت در روز جمعه در حالی که امام خطبه می‌خواند گفتی: گوش فرا بده، مرتکب لغو شده‌ای». متفق علیه² و معنای لغوت: یعنی به ثواب نماز جمعه نایل نمی‌گردد.

بلکه، برای مردم سنت است که روی خود را به سوی تو بگردانند، و نووی، ابن منذر و ابن عبدالبر - رحمت الله علیهم - اجماع را بر مستحب بودن آن نقل کرده‌اند³.

¹ - "الخطابة عند العرب"، از محمد الخضر حسین: 178 - 179.

² - بخاری: (934)، و مسلم: (851).

³ - "المجموع": 4 / 447.

فرشتگان رحمان به تو گوش فرا می‌دهند، پس قدر آنها را بدان

برایت همین شرف و افتخار کافی است - ای خطیب جمعه - که فرشتگان رحمن نزد تو حاضر می‌شوند تا به خطبه‌ها و موعظه‌هایت گوش دهند، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چنانکه در صحیحین آمده است^۱ فرمودند: «هرگاه روز جمعه فرا رسد، بر هر یک از درهای مسجد فرشتگانی گماشته می‌شوند، که نمازگزاران را به ترتیب (ورود) ثبت می‌کنند، و هنگامی که امام (برای خطبه) می‌نشیند، آنها دفترها را می‌بندند و حاضر می‌شوند تا ذکر (خطبه) را بشنوند». و هرگاه این امر را احساس کردید: قدر خطبه در قلب شما بزرگ می‌شود، و حرص شما بر گفتن حق، ادای امانت، نصیحت مردم، و عدم پروای آنان و مداهنه با آنان بیشتر می‌گردد. پس کیست مانند تو - ای خطیب مبارک -؟

الله متعال گوش فرا دادن به تو و خاموش ماندن در برابر سخنان را بر مردم واجب گردانیده است، تا جایی که آنان را از مشغول شدن، حتی با جابجا کردن سنگ‌ریزه‌ها، و از انکار منکر در اثنای سخنان نهی نموده، و ملائکه‌اش را واداشته است تا به تو گوش فرا دهند! و این ایجاب می‌کند که برای الله متعال اخلاص داشته باشی، و در خطبه‌ها و موعظه‌هایت نهایت خیرخواهی را پیشه کنی، و مقصود خطبه‌هایت ذکر الله متعال، موعظه مردم، و آگاه ساختن آنان به امور دینشان و آنچه که دنیایشان را اصلاح می‌کند، باشد.

^۱ - بخاری: (3211)، ومسلم: (850).

(کدام افضل است: ارتجالی خواندن خطبه یا خواندن آن از روی ورق؟)

شکی نیست که در خواندن خطیب از روی ورق منافع بسیاری وجود دارد، و ممکن است برای بسیاری از خطیبان و سخنرانان مناسب‌تر از سخنرانی فی‌البداهه باشد، و این امری مشهود و واقع است.

و سخنرانی ارتجالی اثر بزرگی در تعامل و شور و هیجان خطیب دارد، و این امر - بدون شک - باعث تأثیرپذیری، شور و هیجان و برانگیختگی شنوندگان می‌شود، و عکس آن نیز صادق است.

و معلوم است که هرگاه حس شنوایی و بینایی در دریافت با هم مشترک شوند، این امر در درک، تأثیرپذیری و رسوخ معلومات قوی‌تر است، بر خلاف آنکه یکی از آنها به تنهایی باشد. پس خطیبی که فی‌البداهه خطبه ایراد می‌کند، و با چهره خود با مردم روبرو می‌شود، و با چشمانش آنان را مخاطب قرار می‌دهد، در تأثیرگذاری قوی‌تر از خطیبی است که از روی ورق خطبه می‌خواند، و مردم از وی جز از طریق شنیدن چیزی دریافت نمی‌کنند، و حتی این دریافت نیز به آن قوتی نیست که در حالت خطیبی که فی‌البداهه خطبه می‌خواند وجود دارد، زیرا صدای او قوی‌تر و تعاملش بیشتر می‌باشد.

و کسی که بارها ارتجال (سخنرانی بدون متن) را تجربه کرده، و در ارتجال خود وقفه، لکنت زبان، یا فراموشی زیاد، و یا ترس و اضطراب شدیدی یافته است، و نمی‌بیند که این امور با گذشت روزها و کثرت تمرین ارتجال کاهش یابد، پس باید خطبه‌ها را از روی متن بخواند؛ زیرا هر کسی برای ارتجال توفیق نمی‌یابد، و الله تعالی همان‌گونه که روزی‌های مادی را در میان مردم تقسیم نموده، روزی‌های معنوی را

نیز از قبیل اخلاق، توانایی‌ها، استعدادها و همت‌ها در میان‌شان تقسیم کرده است.

(هشت گامی که راه را به سوی اجرای موفق در خطابت آسان و هموار می‌سازد)

اول: دعای صادقانه برای یاری بر آن، و پناه بردن به درگاه الله متعال با اخلاص و تضرع.

دوم: صدق توکل بر الله متعال در این امر، و اعتماد نیک بر او، الله متعال مطابق گمان بنده اش به اوست، و هر کس بر او توکل کند، او تعالی برایش کافی است، و او را در آنچه مایه اندوه اوست و می‌طلبد، بسنده است.

سوم: شنیدن سخنان خطیبان برجسته و استفاده از تجارب آنان. چهارم: ایراد خطبه به‌تنهایی، و اگر در مسجد از طریق بلندگوی داخلی باشد بهتر است، و اگر بر فراز منبر باشد بسیار بهتر است. پنجم: تمرین برای ابراز احساسات و تقویت عاطفه.

و در بزرگترین اسرار افراد موفق در خطابه، القاء و تأثیرگذاری تأمل نمودم: پس راز و سبب این امر را - بعد از توفیق الله متعال - در قدرت عاطفه‌ای که نزد آنان وجود دارد، و توانایی آنان بر اظهار احساسات‌شان به تفصیل نه به اجمال، و مطابق با ضوابط شرعی یافتم.

پس همانا قوت عاطفه: صاحب بیان را به بیان آن سوق می‌دهد، و صاحب حکمت را به آشکار ساختن آن سوق می‌دهد، پس قلب‌ها را با سحرش جذب می‌کند، و عقل‌ها را با جمال و براعتش اسیر می‌سازد، و شخص ضعیف العاطفه، بخش زیادی از علمش با مرگ

عاطفه اش می میرد، و تأثیر وی بر مردم با مرگ احساساتش محو می گردد.

«پس بر خطیب واجب است: در آنچه به سوی آن دعوت می کند سرشار از شور و شوق بوده و به حقانیت آن اعتقاد داشته باشد؛ زیرا آنچه از دل برآید بر دل نشیند، پس باید شور و شوق خطیب قوی تر از شور و شوق شنوندگانش باشد؛ تا بر آنان سرریز شده و عطش آنان را سیراب سازد، در غیر این صورت آنان سستی درون او را احساس نموده و اثر سخنش ضایع می گردد».

و چاره ای جز ممارست زیاد نیست، از طریق نوشتن افکار و احساسات، و صحبت کردن در مورد آن به تنهایی، و سپس ابراز آن برای یک دوستدار.

و احساسات هرگاه حبس و اسیر گردند، خشکیده و فروکش می کنند، و هرگاه آزاد باشند - به شرط آنکه مطابق ضوابط شرعی باشند - فوران نموده و جاری می گردند، پس اوراق را با کتابت و تصنیف، منابر را با خطابه و بیان، و مردم را با محبت و شفقت سیراب می سازند.

پس - برادر خطیبم - عنان احساسات و عواطف را رها کن؛ تا در تو و در دیگران روح حیات، ابداع، نهضت، نمو و رحمت زنده شود. پس هر که احساساتش نیکو باشد: اخلاقش والا می گردد، و نفسش شریف می شود، و دوستانش بیشتر می شود، و دشمنانش کم می گردد، و حجتش آشکار می شود، و بلاغتش قوی می گردد، و فصاحتش عظیم می شود.

ششم: طلب نصیحت از فردی راستگو، عاقل، باتجربه و دلسوز، که او را از عیب هایش آگاه سازد تا از آنها دوری کند، و از خوبی هایش آگاه سازد تا بر آنها ثابت بماند، و بر آنها بیفزاید.

هفتم: آمادگی زودهنگام برای خطبه.
هشتم: مطالعه کتاب‌های مربوط به آماده‌سازی خطبه و چگونگی ایراد آن^۱.

(اضطراب و نگرانی در آغاز ایراد خطبه ها امری معمول و عادی است)

در اوایل ایراد خطبه ها، اضطراب و ترسی درخواهید یافت، و این چیزی از طبیعت تمام بشر می باشد، و شاید این احساس به شما دست دهد که این از آثار نگاه مردم به شما، و گمان شما نسبت به ضعف علمی تان است.

و ممکن است بر اضطراب تو بیفزاید: احساس تو به اینکه مردم این امر را حس می کنند و آن را از خطیب دوست ندارند، و شاید این امر سببی برای دور شدن آنان از تو باشد.

و جای هیچ شکی نیست که: با کثرت تعلق به الله متعال و توکلت بر او و دعای صادقانه‌ات، و ممارست طولانی: ترس کاملاً از بین خواهد رفت، تا جایی که به مرحله لذت بردن از خطبه، و انتظار روز جمعه برای چشیدن لذت خطابه برسی.

پس چاره ای جز صبر نیست، تا اینکه گنجینه های توفیق و الطاف ذات کریم و وهاب سبحانه برای انسان گشوده شود.
پس تحمل تنگی تلاش در آغاز، برای دستیابی به فضای نعمت، منزلت و سعادت در نهایت می باشد.

^۱ - ببینید: مختصر مفید برای موزن، امام و خطیب و احکام مساجد: 95،

و با خود بگو: پس از تنگی جز گشایش و برطرف شدن دشواری نیست، و پس از رنج جز آسایش نیست، و این تنها شکیبایی یک ساعت است، پس شکیبای باش و پایداری پیشه کن، تا بر منابر برآی، و دعوت به سوی الله را آشکارا بیان کنی، و الله راست فرموده است، و کیست که در سخن از الله راستگوتر باشد:

(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا)

(و کسانی که در راه ما سعی و کوشش کردند، البته آنان را به راه‌های (خشنودی) خویش رهنمود می‌گردانیم) [العنکبوت: 69].
و قتاده رحمه الله چه زیبا فرموده است: «ای فرزند آدم، اگر نمی‌خواهی کار خیر را انجام دهی مگر از روی نشاط، پس همانا نفس تو متمایل به خستگی، سستی و ملالت است، ولی مؤمن کسی است که بر خود فشار می‌آورد، و مؤمن کسی است که خود را قوی می‌سازد، و مؤمن کسی است که بر خود سخت می‌گیرد»¹. و منظور از متشدد: یعنی در محافظت بر اعمال خیر، کسی است که خود را ملزم به ادامه دادن آن‌ها می‌کند.

(اسباب رهایی از ترس مفرط از سخنرانی)

ترس - به ویژه در آغاز -؛ چنانکه گذشت، امری بسیار معمول و عادی است، بلکه امری مثبت است که به اهتمام به خطبه و آمادگی برای آن کمک می‌کند، و سرکشی نفس را از افراط در اعتماد به خود مهار می‌سازد؛ افراطی که منجر به دست‌کم گرفتن مردم، و عدم توجه به کیفیت محتوای علمی و گزینش الفاظ و معانی مناسب می‌گردد.

¹ - "تفسیر قرطبی": (1/251)، و اثر قتاده - رحمه الله - را ابو القاسم ابن بشران البغدادی (متوفی: 430هـ)، در: "آمالیه": (1454) روایت نموده است.

اما استمرار ترس در هر خطبه و برای مدت طولانی امری منفی است - و این همان چیزی است که در عصر جدید هراس اجتماعی نامیده می شود :- باید برای رهایی از آن اسبابی را اتخاذ نمود، و از جمله آنها:

اول: اخلاص برای الله متعال، و متوسل شدن به الله متعال، و زیاد دعا کردن برای اینکه آرامش را نصیب تو گرداند و بر قلبت سکینه نازل نماید.

دوم: نوشیدن برخی از نوشیدنی های آرام بخش قبل از خطبه، مانند نعناع و امثال آن، زیرا در تسکین اضطراب و ترس تأثیر دارد.

سوم: آماده ساختن نفس برای شنیدن انتقاد، و شادمان شدن از آن؛ تا نردبانی برای پیشرفت و نوآوری باشد، و نترسیدن از خطا.

چهارم: آمدن زودهنگام؛ بدون شک خطیبی که با شتاب می آید تا به وقت برسد، نفسش ناآرام می شود، قلبش مضطرب می گردد و دچار نگرانی و اضطرابی می شود که حتی در جریان خطبه نیز با او ادامه می یابد.

پنجم: سر خود را بلند کن تا مردم را ببینی، و گاهی فی البداهه سخن بگو، حتی اگر در ابتدا دشواری، اشتباهات و تردیدی مشاهده کردی؛ اما استمرار تو بر خارج نشدن از آنچه در ورق است، و نگاه نکردن با جرأت به حاضران، شور و اشتیاق شنوندگان را نسبت به سختی از بین می برد، و باعث می شود ترس و هراس تو از منبر همچنان ادامه یابد. و برخی از خطبا که سال ها در ایراد خطبه سابقه دارند، اما از آنچه در ورق است خارج نمی شوند و به حاضرین نگاه نمی کنند، تصریح کرده اند که در هنگام هر خطبه ترس و اضطراب را احساس می کنند، بلکه می گوید: همانا من در هر خطبه از شدت نگرانی و ترس، گویا برای اولین بار است که خطبه ایراد می کنم!

اما در آغاز خطبه‌هایت به چهره‌های مردم نگاه نکن، زیرا ممکن است چشمت به کسی بیفتد که از او هیبت داری و مضطرب شوی، و چه بسا نگاه مردم به سوی تو باعث هراس گردد؛ بلکه به سرهای آنان بنگر، بدون آنکه بر اشخاص و چشمانشان تمرکز نمایی.

ششم: هنگام بالا رفتن به منبر، به پیامدهای منفی یا اشتباهاتی که ممکن است رخ دهد فکر نکن، بلکه به نتایج مثبت مورد انتظار به اذن الله، و منافع بزرگی که از خطبه خویش به دست خواهی آورد فکر کن؛ از قبیل نفع رساندن به مردم، و توفیق الله برای تو در برپایی شعیره امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به سوی او.

هفتم: پیش از خطبه تنفس صحیح انجام دهید، به این صورت که نفس عمیقی از راه بینی بکشید، سپس هوا را برای لحظات کوتاهی حبس نموده، و بعد آن را به آهستگی بیرون دهید. این تنفس در رفع تنش تأثیر بسزایی دارد؛ اهل تخصص و طب ذکر کرده‌اند که تنفس عادی هفت تا ده لیتر اکسیژن را به مغز پمپاژ می‌کند، در حالی که در حالت‌های تنفس صحیح، حدود هفتاد و پنج لیتر اکسیژن پمپاژ می‌شود، و این امر منجر به کاهش سطح هورمون‌های اضطراب و تنش می‌گردد. این روش تجربه شده و مشاهده گردیده است که تأثیر بزرگی در برطرف کردن تنش، اندوه و اضطراب دارد.

و اما در اثنای خطبه تلاش کن تا نفس عمیق را به گونه ای بکشی که توجه حاضرین را جلب نکند، و این کار با کشیدن سریع و به مقدار زیاد آن از طریق دهان یا بینی در هنگام توقف مناسب انجام می‌شود، سپس بعد از این نفس برای تکمیل حرف زدن ادامه دهی، و تقریباً در هر توقفی همین گونه عمل کن.

بهترین راه حل برای انتقادات اشتباهی که به تو می‌رسد)

اگر - برادر خطیب - پس از دقت و تأمل، و مشورت با اهل خبره، به تصمیمی که اتخاذ نموده‌ای، یا روشی که پسندیده‌ای، و یا راهی که در پیش گرفته‌ای، قانع شدی: پس به منتقدان و سرزنش‌کنندگان توجه نکن، چون هیچکس هر عملی که انجام دهد، و مقامش هر اندازه هم که بالا باشد، از انتقاد مردم در امان نخواهد بود. و اگر به انتقاد آنان اعتنا کنی: همتت ضعیف می‌شود، سینه‌ات تنگ می‌گردد، و رغبت به پیشرفت و نوآوری را از دست می‌دهی. هیچ کتابی، و هیچ مقاله‌ای، و هیچ عملی نیست، مگر اینکه کسی هست که بر آن عیب می‌گیرد و آن را نقد می‌کند. و باید با منتقدان با لطف و احترام رفتار کنی، و پاسخ آنان را به نیکوترین روش بدهی، و آنچه از حق به همراه دارند را بپذیری، و از این کار تکبر نورزی؛ اگرچه منتقد در نزد تو دارای جایگاه و منزلتی نباشد.

(توصیه‌هایی برای خطیب قبل از خطبه)

شما - برادر خطیب - باید قبل از خطبه چند کار را انجام دهید، تا پس از الله متعال، برای ایستادن بر فراز منبر و ایراد خطبه‌های خود از آنها یاری جویند، از جمله:

اولاً: به یاد داشته باش که تو برای تبلیغ رسالت‌های الله متعال و دعوت به سوی او می‌روی، و - گاهی - فرموده‌ او تعالی را بخوان:

(الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ)،

همان کسانی که پیام‌های الله را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و جز الله از کسی نمی‌ترسند). و - گاهی دیگر - این قول الله متعال را بخوان:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾

(و کیست خوش سخن‌تر از کسی که به‌سوی الله دعوت کند و کارهای نیک کند و گوید: من از جمله مسلمانان هستم)؟ [فصلت: 33].

وقول الله متعال:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾.

(بگو: این راه من است، با بصیرت و آگاهی به‌سوی الله دعوت می‌کنم و پیروان من هم (باید چنین باشند) و الله (از هر عیب) پاک است و من از مشرکان نیستم). [یوسف: 108]

و این امر تو را به اخلاص و همت بیشتر، و پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم، و در نظر داشتن بزرگترین هدف از خطابت و امی دارد، هدفی که الله متعال پیامبران و رسولانش را برای آن مبعوث نموده است، و آن تبلیغ دین و نشر آن می باشد، و این بزرگترین مقام در دنیا است.

دوم: اندکی پیش از بالا رفتن به منبر، به درگاه الله متعال دعا کن که به تو اخلاص، توفیق و موفقیت عنایت فرماید، و تو و دیگران را با آنچه می‌گویی نفع برساند؛ زیرا چه بسا خطیب و سخنرانی که از آنچه می‌گوید پند نمی‌گیرد، و اگر هم پند گیرد خیلی زود آنچه را گفته است فراموش می‌کند، به‌ویژه اگر مدت زمانی طولانی از آن بگذرد.

و همیشه از او تعالی بخواهید: این که به شما فصاحت و بیان عنایت فرماید.

سوم: آماده کردن مجموعه‌ای از خطبه‌ها غالباً مدت زمان طولانی قبل از ایراد آنها، و ممکن است بین آماده کردن و ایراد آنها ماه‌ها یا سال‌ها فاصله باشد.

و آن بدین سبب است که هنگامی که موضوعی به ذهنت خطور می‌کند، یا در جریان مطالعات به فایده‌ای ارزشمند برمی‌خوری، یا حدیثی که تو را به درنگ واداشته، و یا آیه‌ای که در آن تأمل نموده‌ای: پس فوراً و بدون تأخیر آن را ثبت کن، زیرا در آن هنگام احساسات پرشور بوده و افکار حاضر و به هم پیوسته می‌باشند، و اگر نوشتن را در آن زمان به تأخیر بیندازی، افکار و خواطر ضایع شده و یادآوری و استحضار آن‌ها دشوار می‌گردد، سپس آنچه را که خاطر یاری می‌کند بنویس، سپس بعد از آن به جمع‌آوری مطالب علمی - بدون تکلف - از قرآن و سنت و کلام اهل علم آغاز کن؛ کسانی که در خلال مطالعه کتاب‌های شان یا کتاب‌هایی که از آن‌ها نقل کرده‌اند بر کلامشان واقف شده‌ای، و در صورت نیاز در مکتبه شامله یا شبکه اینترنت جستجو کن.

و به آیات قرآنی و احادیث نبوی، و اقوال سلف و آثار شان، و تاریخ، و کلام علمای ربانی معاصر، و به خصوص در آنچه به مسائل معاصر و رویدادها تعلق دارد، اهتمام ورز.

پس آنچه را مربوط به موضوع خطبه یافتی: آن را بردار و بدون ترتیب و تدقیق، در یک فایل در کمپیوتر قرار ده.

و همیشه در مورد موضوعات و فوایدی که به ذهنت خطور می‌کند یا با آنها روبرو می‌شوی همین گونه عمل کن، و در همان وقت آنچه را به خاطرت می‌رسد یادداشت کن، و جستجو نموده آنچه در

توان داری بنویس، سپس آن را رها کرده و به مطالعه معمول خود ادامه بده، پس اگر فایده، آیه یا حدیثی را یافتی که مربوط به یکی از خطبه‌هایی است که آن را نوشته‌ای یا بخشی از آن را نوشته‌ای: آن را به آن اضافه کن.

چه بسا خطبه چندین سال نزد شما باقی بماند، و آن را در درس‌ها، سخنرانی‌ها یا بیانات تان ایراد کنید؛ پس در اثنای آن، از لطایف و فواید آنچه پیش از آن به ذهن تان خطور نکرده بود برای شما گشوده خواهد شد، و چیزهایی را به یاد خواهید آورد که فراموش کرده بودید، و هنگامی که آن را در خطبه جمعه ایراد می‌کنید، تا حد امکان آماده و کامل خواهد بود.

چهارم: آن را به صورت کامل یا مجزا طی سخنانی در مساجد یا مجالس خصوصی خود ایراد کن، و هدف از آن:
الف- تثبیت معلومات و حفظ آن.

ب- نشر آن در میان مردم، به ویژه در مساجدی که به مسجد جامعی که در آن خطبه ایراد می‌کنید نزدیک نیستند، و غالباً جماعت شما نزد شما حضور نمی‌یابند.

ج- بررسی بیشتر موضوع، و غالباً اگر آن را بیان کنید، در اثنای سخن یا پس از آن امور مهمی برای شما آشکار خواهد شد که باید در مورد آنها صحبت شود، یا سوال و استفساری از جانب کسی که آن را از شما شنیده است، مطرح خواهد شد.

پنجم: آن را روز جمعه تقریباً دو ساعت پیش از وقت خطبه، همان‌گونه که در خطبه ایراد می‌کنی، ایراد کن.

ششم: در تحقیق و آمادگی بیش از حد تکلف نه ورزید، و همت خود را بر این بگذارید که موضوعی را جمع‌آوری کنید که اولاً به شما نفع برساند، و سپس به شنوندگان با وجود اختلاف طبقات شان.

و به تحقیق دیده ام که تکلف در هر چیزی مضر و مشقت بار است، و غالباً صاحبش را به انقطاع یا خستگی و سستی می کشاند.

(توصیه هایی برای خطیب در جریان خطبه)

چندین مورد وجود دارد که شایسته است در جریان خطبه انجام دهید، که عبارتند از:

اول: هنگامی که با حوادث داستان‌ها، موقف‌ها و عبرت‌ها زندگی می‌کنی، در تظاهر به احساسات و یا کتمان آن‌ها تکلف نکن، و بر حسب سیاق، احساسات خود را از طریق حالات چهره‌ات، تعابیر چشمانت، و تغییر لحن صدایت ظاهر کن.

و بدان که هر قدر القای تو طبیعی باشد، و در آن تکلف نوری: تأثیر آن بیشتر خواهد بود، پس بر همان سرشتی باش که بر آن رشد یافته‌ای، و بر همان شیوه‌ای که هنگام سخن گفتن و گفتار در غیر از خطبه به کار می‌بری، همراه با توجه به لحن صدا و نیکو ساختن اداء. و بسیاری از خطبای برای خطبه اسلوبی کاملاً متفاوت از اسلوبی که به آن عادت کرده‌اند در نظر می‌گیرند، گویا می‌پندارند که خطابت دارای اسلوبی یکنواخت و شیوه‌ای منحصر به فرد و خاص خود است، و این امر باعث می‌شود تأثیرگذاری بر شنوندگان و راه یافتن به دل‌های آنان را از دست بدهند.

ثانیاً: خطبه را مسلسل و پی در پی ایراد نکن، و چنان سرعت و شتاب نورز که شنونده از شنیدن کامل آن محروم گردد، بلکه خطبه را با تأنی ایراد کن، و در هنگام نیاز مکث‌های کوتاهی داشته باش، و به میزان لحن و تن صدا بر حسب جایگاه مناسب آن توجه کن، پس اگر مقام و موقعیت چنین اقتضا نمود، صدا را بلند کرده و در سخن گفتن سرعت ببخش.

سوم: وقت خطبه را با دقت محاسبه کند، و خطابه را طولانی نکند مگر هنگام ضرورت.

چهارم: هرگاه برخی از مخالفت ها را دیدی که هنگام خطبه از سوی نمازگزاران سر می زند، پس با ملایمت به آن تذکر بده، مانند اینکه کسی را ببینی که در جریان خطبه سخن می گوید، پس به گونه عام بر این اشتباه تذکر بده.

(وصایای برای خطیب بعد از خطبه)

چندین مورد وجود دارد که باید بعد از خطبه انجام دهید، که عبارتند از:

اول: حمد و ستایش الله متعال بر توفیقی که در ادای خطبه به تو عنایت فرموده است.

دوم: گوش دادن به خطبه های خود پس از ایراد آن ها، به هدف جستجوی جنبه های مثبت برای تقویت و تحکیم آن ها، و جنبه های منفی برای برطرف کردن و دوری از آن ها.
و همه این:

اول: به منظور بزرگداشت مقام خطبه، زیرا در اسلام قدر و جایگاه خود را دارد.

و دوم: برای احترام گذاشتن به نمازگزارانی که به خاطر اطاعت از پروردگارشان، و لبیک گفتن به ندای خالق شان، و دوست داشتن شنیدن آنچه نزد توست، آمده اند.

و همچنین ممکن است آن را به یک نصیحت کننده صادق ارجاع دهی تا تو را به جنبه های مثبت و منفی آن راهنمایی کند.

همچنان اگر ثبت و نشر آن ممکن باشد، خصوصاً در کشورهایی که خطبا در آن ها کم هستند، پس نشر گردد تا عامه مردم از کسانی که

با شما نماز نمی‌خوانند، از آن بهره‌مند شوند و به صورت صوتی و نوشتاری نشر گردد.

و اگر برای او صفحه‌ای در شبکه‌های اجتماعی، و همچنان سایت خاصی ایجاد کند، پس این کار حسن است.

و همچنان همکاری و تعاون با سایت‌هایی که خطبه‌ها را نشر می‌کنند، و نشر خطبه‌ی وی در آن سایت‌ها، و خصوصاً خطبه‌های ترجمه شده به دلیل کمبود آن‌ها.

(نصایح عمومی برای خطیب و داعی بسوی الله)

برای تو - برادر خطیب جمعه - این نصایح است که چیزی جز یادآوری آنها برای ما نیست:

(بشارت ده و متنفرکننده نباش)^۱

خطیب موفق و کامیاب: کسی است که بشارت می‌دهد و متنفر نمی‌سازد، و روحیه فال نیک و امید را در میان مردم می‌پراکند، کسی که غبار ناامیدی و تنبلی را دور می‌سازد، و بر تلاش و عمل ترغیب می‌نماید. ای برادر خطیب، مبدا موضوعات خطبه هایت پیرامون فاجعه‌ها، مصیبت‌ها و موارد منفی ای بگردد که ممکن است در هر زمان و مکانی رخ دهد، بلکه بیشتر خطبه هایت را به خوش‌بینی و ذکر الگوهای درخشان در اخلاق، رفتار و اشخاص اختصاص بده، تا مردم این اخلاق، رفتار و این اشخاص را الگو و چراغ راهی برای خود قرار دهند.

^۱ - روایت ابوداود: (531)، و ابن ماجه: (987)، و احمد: (17906)، و دیگران، و البانی آن را صحیح دانسته است.

و اگر اشتباهی دیدی، در تنبیه بر آن و برحذر داشتن مردم از آن به روش شرعی و اسلوب مناسب باکی نیست.

۱ (عامه مردم را نصب العین خود قرار ده)

عموم مردم را - الله تو را حفظ کند - مد نظر خود قرار بده: زیرا آنها به خطبه‌ها و موعظه‌هایت سزاوارتر و شایسته‌ترند؛ بنابر فرموده پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به عثمان بن ابی العاص - رضي الله عنه - هنگامی که امام قومش تعیین شد: **""و به ضعیف‌ترین آنان اقتدا کن""^۲**.

یعنی: حال ضعیف‌ترین فرد را در نظر بگیر، و نمازی بخوان که برایشان مشکل ایجاد نکند، و مراعات حال ضعیفان در فهم کم‌اهمیت‌تر از مراعات حال ضعیفان در جسم نیست. و اما اگر به نخبگان و خواص آنان، و دوستداران و شاگردان توجه کنی و به عامه مردم اهتمام نوری: پس همانا این کار تو را دچار چندین پیامد ناگوار خواهد کرد:

اول: تکلف در انتخاب الفاظ، و تصنع در سجع، و موضوعاتی که مناسب سطح آنان است، نه اکثریت غالب عامه مردم و امثال آنان. دوم: محروم ماندن عوام از آنچه از آن نفع می‌برند، مانند موعظه‌ها و رسیدگی به قضایای اجتماعی؛ زیرا تو به آنچه برای روشنفکران و دیگران اهمیت دارد مشغول شده‌ای، پس آنان تمایل به شنیدن سخن درباره دقایق علوم و استنباطات، و مسایل جدید و غریب دارند، و برخی از آنان تمایل به شنیدن سخن درباره سیاست و

^۱ - "مدارج السالکین بین منازل إياک نعبد وإياک نستعین": (2/ 66).

^۲ - "صید الخاطر": ۶۷.

غوطه‌ور شدن در واقعیات دارند، و این امر در دین و دنیای شان به آنان نفعی نخواهد رساند.

سوم: فساد نیت، پس به جای آنکه خالص برای رضای الله باشد، متوجه مراعات محبانت و در نظر گرفتن آنچه آنان را خوش می‌آید و راضی می‌سازد، گردیده است.

پس هنگامی که اعجاب مردم به خطبه هایت، و سبقت گرفتن شان برای حضور و گوش فرا دادن به آن‌ها را می‌بینی، بدون شک تو آنان را مراعات نموده و به آنچه آنان را راضی می‌سازد خطبه می‌خوانی. و در آن هنگام الله متعال برکت و قبولیت، و نفع و فایده را از تو می‌گیرد.

و اهتمام خطیب به نفع عامه به این معنا نیست که به مسایل مهمی نپردازد که شاید بالاتر از سطح بسیاری از آنان باشد، و ممکن است بعضی از متخصصین مانند طلاب علم یا مسئولین و امثال آنان از آن استفاده کنند؛ ولی به اندازه نیاز.

از خودبینی یا مغرور شدن به مدح مردم از خودت برحذر باش)

هنگامی که خطیب جمعه بر منبر بالا می‌رود، و می‌بیند که انبوه مردم در نزد او حاضر شده، او را قصد نموده و به سوی او روی آورده‌اند، و در میان آنان عالم، طبیب، بزرگ، قاضی، ثروتمند و مسئول را می‌بیند. پس ممکن است عجب در نفس او راه یابد، به ویژه اگر بداند که بسیاری از آنان به خاطر او حاضر شده‌اند، پس بر خطیب خردمند لازم است که از عجب و غرور به الله متعال پناه ببرد، و هر

¹ - روایت مسلم: (2642).

جمعه با نفس خود مجاهده کند تا از عجب و خودبینی رهایی یابد، و فضل را به الله متعال بازگرداند، همان ذاتی که مردم را به سوی او متوجه ساخته است.

برخی از سلف گفته اند: «اگر برای (موعظه) مردم نشستی، پس پند دهنده قلب و نفس خود باش، و جمع شدن آنان در اطرافت تو را فریب ندهد؛ زیرا آنان ظاهر تو را می‌نگرند، و الله مراقبِ باطن تو است»¹.

پس بر تو لازم است اخلاص برای الله عزوجل، و تقویت ایمانت، و سزاوار است هراس از: فریفته شدن به ستایش مردم از تو؛ زیرا بسیاری از مردم هرگاه ستایش کنند زیاده‌روی می‌کنند، و تو به خودت داناتری!

ابن جوزی - رحمه الله - می‌فرماید: «و مصیبت بزرگ ستایش‌های عوام است، که چه بسا فریبنده است!»².

و عیبی ندارد که از ستایش مردم نسبت به خود و یا خطبه‌هایت خوشحال شوی، چنانکه به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته شد: درباره‌ی مردی که عمل نیکی را انجام می‌دهد، و مردم او را بر آن ستایش می‌کنند چه می‌فرمایید؟ فرمودند: «این مژده‌ی زودرس مؤمن است»³.

پس هرگاه مؤمن عمل کند (عملی که خالصانه برای الله انجام می‌گیرد، سپس الله متعال ستایش نیکی برای او در دل‌های مؤمنان

¹ - "جامع العلوم والحکم" از ابن رجب: 84 / 1.

² - روایت مسلم (869).

³ - «اصول الإنشاء والمحطبة»، از ابن عاشور: (ص: 126).

قرار می‌دهد، پس به فضل و رحمت الله خشنود می‌شود، و به آن شادمان می‌گردد، این کار به او ضرری نمی‌رساند) (۱۲).^۱

همانا عیب و گناه آن است که: با ستایش آنان دچار خودبینی شوی، پس به تلاش و عمل خود شادمان گردی، و فضل را به خود نسبت دهی، و شادمانی تو به فضل، رحمت و کرم الله نباشد که خیر را به سوی تو سوق داده، و آن را برایت محبوب و آسان ساخته است. و نشانه ابتلای تو به بیماری عجب: بیزاری از انتقاد، و دوست نداشتن نصیحتِ نصیحت‌کننده است.

از چیزی سخن بگویند که در دین و دنیایشان به آنها نفع برساند

به کسانی که آمده‌اند تا به آنچه نزد توست گوش فرا دهند، چیزی را بشنوان که در دین و دنیایشان به آنان نفع می‌رساند، و هنگام آمادگی از خود پیرس: وقتی مردم از مسجد خارج شدند، در دین و اخلاقشان چه فایده‌ای به آنان خواهم رساند؟

و آنچه را که از آن بهره‌مند نشدند، پس آن را ذکر نکنید.

پس اگر مثلاً دربارهٔ جزئیات سیاست، و یا زیاد دربارهٔ مصیبت‌های مسلمانان سخن بگویم، آنان چه فایده‌ای خواهند برد؟

"و از طرح موضوعی توسط من که ابهام آن را فرا گرفته است، چه فایده‌ای خواهند برد، به سبب حساسیت آن و ترسی که از تصریح آن بر جانم دارم، پس اشارات و کنایاتی بیاورم که جز خواص خواص کسی آن را نمی‌فهمد؟"

^۱ - "الخطابة عند العرب"، از محمد الخضر حسين: 189.

^۲ - بخاری: (3568)، و مسلم: (2493) روایت نموده اند.

و چه سودی خواهند برد هنگامی که حاکم را در برابر مردم، به صراحت یا کنایه، نصیحت کنم، و سلف صالح از نصیحت علنی حاکم نهی کرده اند؛ زیرا این امر غالباً فتنه ها را برمی انگیزد و به خطیب ضرر می رساند.

۱/ حفظ آرامش هنگام خطبه)

باید در اثنای خطبه آرام باشید، و شور و هیجان شما را فراموش کنید که از موضوع خارج شوید، یا سخنی بگویید که بعداً از آن پشیمان شوید، و هرگاه شور و هیجان خطیب شدت یابد، غالباً تمرکز و تسلط بر سخنان خود را از دست خواهد داد، و چه بسا صدایش تا حدی بلند شود که موجب آزار بسیاری از شنوندگان گردد.

۲/ پرهیز از طولانی کردن خطبه)

پیامبر صلی الله علیه وسلم خطبه را کوتاه می خواند، و اصحابش (رضی الله عنهم) و کسانی از سلف امت (رحمهم الله تعالی) که پس از آنان آمدند نیز چنین کردند.

ابو وائل -رحمه الله- گفت: عمار -رضی الله عنه- برای ما خطبه خواند، پس کوتاه و رسا سخن گفت، چون پایین آمد، گفتیم: ای ابایقظان، بسیار رسا و کوتاه سخن گفتی، کاش آن را کمی طولانی می کردی؟ گفت: من از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- شنیدم که می فرمودند: «همانا طولانی بودن نماز شخص و کوتاه بودن خطبه اش، نشانه ای از دانائی اوست، پس نماز را طولانی بخوانید و خطبه را کوتاه ایراد کنید، و همانا برخی از بیان ها سحر است».

1 - "زاد المعاد فی هدی خیر العباد": 1/ 409-410.

2 - "منبع قبلی": 1/ 386.

قول او: (تَنَفَّسْتَ): یعنی خطبه را طولانی کردی.
فرموده او: (مِثْنَةً): یعنی نشانه، (مِنْ فِقْهٍ): «یعنی: از آنچه دانائی
مرد به آن شناخته می‌شود، و هر چیزی که بر چیزی دلالت کند، پس
نشانه‌ای برای آن است.»

و کوتاه بودن خطبه سه فایده ارزشمند دارد:

نخست: پیروی از سنت.

دوم: سهولت آماده کردن خطبه، و حصول آسایش روانی هنگام
آماده کردن آن، در جریان ایراد آن، و بعد از فراغت از آن.

و بسیاری از خطبا از فجر روز جمعه یا قبل از آن، برای خطبه
احساس نگرانی می‌کردند و از نظر ذهنی مصروف آمادگی برای آن
می‌شدند، و هنگامی که خطبه را کوتاه نمودند و در آن از ده دقیقه
تجاوز نکردند، تمام این نگرانی یا بیشتر آن از بین رفت.

سوم: آسان گرفتن بر شنوندگان، چنانکه تقریباً همه مردم بر
خرسندی از کسی که خطبه‌اش را کوتاه ایراد می‌کند، و بیزاری از کسی
که آن را طولانی می‌سازد، اتفاق نظر دارند.

ووقت مناسب برای خطیب و شنوندگان تقریباً بین ده دقیقه تا
یک ربع ساعت است؛ زیرا مردم تقریباً بر این اتفاق نظر دارند که کوتاه
بودن خطبه برای آنان محبوب‌تر و سبک‌تر از طولانی بودن آن
می‌باشد.

(از سخنان نا آشنا دوری کن)

از گفتار نا آشنا پرهیز کن: زیرا مردم به چنین گفتاری از جانب تو
نیازی نخواهند داشت، و هیچ فایده‌ای برای آن‌ها نخواهد داشت، و
چه بسا نفس در بیان و زیاده‌گویی آن، بهره‌هایی داشته باشد.
ادبا و بلغای معتبر از گفتار نا آشنا هشدار داده‌اند.

(از تکلف سجع دوری کن)

السَّجْعُ: «توافق فواصل کلام منشور بر یک وزن» را گویند، و شارع حکیم از تکلف در قافیه نهی کرده است، و ادبا و بلغا آن را ناپسند دانسته اند؛ «زیرا قافیه از تکلف الفاظی خالی نیست که ذهن شنوندگان را از فهم کامل معانی باز می دارد، پس اگر قافیه در آن بخشیده شود، همانا آن چیزی است که خود به خود و بدون تکلف واقع شود، یعنی قافیه‌ای که متکلم را می‌طلبد نه آنکه متکلم آن را بطلبد».

پس تکلف در قافیه را رها کن؛ زیرا تکلف در آن، زحمت ساختنش را بر تو تحمیل می‌کند، و زحمت فهمیدنش را بر شنوندگان تحمیل می‌نماید، اما اگر به سادگی بر خاطرت آمد، و الفاظ آن بر زبانت سبک بود، و برای شنونده‌اش مفهوم بود، پس این اشکالی ندارد.

(توجه به صلاح ظاهر)

توجه خطیب به اصلاح مظهر خارجی‌اش کمتر از توجه او به باطن درونی‌اش نیست، و صلاح یا فساد ظاهر چیزی جز نتیجه‌ی صلاح یا فساد باطن نیست، و اصلاح مظهر خطیب به شرح ذیل می‌باشد:

اول: زیبایی و پاکیزگی لباس او، بدون مبالغه یا اسراف.
دوم: زیبایی بدنش با نظافت و خوشبویی آن، و تراشیدن یا کوتاه کردن بروت هایش و گذاشتن ریشش.

سوم: زیبایی چهره‌اش با گشاده‌رویی و تبسم او هنگام سلام کردن بر مردم در بیرون مسجد، و هنگام ورود برای خطبه و پس از پایان آن است؛ زیرا تبسم صادقانه، چهره‌ی گشاده، و گشاده‌رویی نیکو، مردم را به خطیب و خطبه‌ها و پندهایش علاقه‌مند می‌سازد، و این عمل برای کسی که در آن برای الله متعال اخلاص ورزد، عبادت محسوب

می‌شود، و همان ویژگی است که عقل‌ها و دل‌ها را تسخیر می‌کند، و شخص پیشانی‌باز، کارهایش ستوده و لغزش‌هایش قابل چشم‌پوشی است، برخلاف فرد ترش‌رو و اخم‌کرده، که از او پناه برده می‌شود، و هنگام ملاقات با وی، اندوه و دل‌تنگی بر قلب چیره می‌گردد.

پس -ای برادر خطیب-: گشاده رو و پیشانی باز باش، و به زودی انشراح صدر، روی آوردن مردم به سویت، یاد نیکت نزد آنان، پذیرش راهنمایی‌ها و موعظه‌هایت از سوی آنان، و عذرجویی‌شان برای خطاها و لغزش‌هایت را خواهی دید.

چهارم: تواضع و ادب او در راه رفتن، بالا رفتن به منبر، نشستن بر آن، و حسن استقبال از مردم هنگام نشستن و خطبه.

و از مواردی که ملاحظه می‌شود این است که: بعضی از خطبا وقتی پیش از خطبه می‌نشینند، به گونه‌ای می‌نشینند که نشان می‌دهد به مردم بی‌اعتنا هستند، و مشغول نگاه کردن به چهره‌های مردم می‌شوند، و وقتی شروع به ایراد خطبه می‌کنند، به مردم نگاه‌هایی می‌اندازند که نشانگر بی‌پروایی و بی‌تفاوتی نسبت به آنان است، و گویا به آنان این احساس را می‌دهند که شجاع و جسور اند، و با لحنی توأم با تندی و بلندی صدا آنان را مخاطب قرار داده، و دستورها و نواهی مستقیم خود را متوجه آنان می‌سازند، و این روشی است که نفس‌ها آن را نمی‌پذیرند، بلکه از آن متنفر می‌شوند.

پنجم: عدم دست کشیدن و لمس ریش بدون حاجت، و عدم روی گرداندن زیاد، مخصوصاً هنگام نشستن بر منبر؛ زیرا این کار از هیبت خطیب می‌کاهد، یا بیانگر بی‌اعتنایی او به کسانی است که در برابرش قرار دارند.

ششم: مسواک کردن با نرمی و ادب، و بعضی از خطبا - الله متعال هدایت‌شان کند - هنگامی که وارد مسجد می‌شوند، در حالی وارد

می‌شوند که به گونه‌ای قابل توجه مسواک می‌کنند، و بعضی از آنان به مسواک کردن شان تا اندکی پیش از شروع خطبه ادامه می‌دهند، در نتیجه بقایایی از اجزای مسواک در دهان شان باقی می‌ماند، و در حالی که خطبه می‌خوانند آن بقایا را بیرون می‌آورند، و این امری ناپسند است، و ممکن است نشان‌دهنده بی‌اعتنایی آنان به مردم و مقام بزرگ خطبه باشد.

هفتم: پابندی به سنت در لباس با عدم اسبال، و در ریش با گذاشتن آن، زیرا خطیب الگو است، و چگونه مردم از کسی پیروی کنند که عملش مخالف گفتارش است، و چگونه مردم از سخن کسی متأثر شوند که سخنش بر خودش تأثیر نگذاشته است؟! هشتم: سکون بدن در وقت سخن گفتن؛ زیرا دلیل بر سکون نفس است.

(تفاوت زمان آماده‌سازی خطبه)

زمان آمادگی برای خطبه: بر حسب فرهنگ و علم خطیب، و نظر به موضوعی که آن را ایراد خواهد کرد، متفاوت است، پس این موضوع از دو نوع خالی نمی‌باشد:

اول: اینکه علمی باشد، مانند مسائل فقهی یا عقیدتی و تأویل آن، پس باید به این موارد زمانی اختصاص داده شود که شایسته مقام آنها باشد، و نباید آنها را سبک شمرد و چند ساعت کوتاه قبل از خطبه به آماده کردن آنها پرداخت.

دوم: اینکه وعظی یا اجتماعی و مانند آن باشد، پس زمان آماده‌سازی آن غالباً کوتاه می‌باشد.

و نصیحت من برای شخص تازه کار در خطابه - از کسانی که تجربه و علوم کافی ندارند - این است که در ابتدا از خطبه‌های پیشینیان خود

استفاده کند، و کسی که از وی بهره می برد باید خطبه هایش دارای سه صفت باشد:

اول: اینکه کوتاه باشد، تا ایراد آن بر وی دشوار نشود.

دوم: باید از لحاظ نحوی و علمی سالم باشد.

سوم: اینکه لفظاً و مضموناً از تکلف دور باشد.

و اشکالی ندارد که با گذشت روزها آنچه را مناسب می بیند تعدیل یا اضافه نماید، سپس بعد از آن تلاش کند تا خطبه را خودش بنویسد و از کسانی که پیش از او بوده اند استفاده نماید.

(دوری از دستورات مستقیم به شنوندگان)

از الفاظی که در آن اوامری برای شنوندگان است نه گوینده - الله تو را حفظ کند و ثابت قدم بدارد - پرهیز، مانند: «انجام دهید» یا «انجام ندهید»؛ و به جای آن، «انجام دهیم» و «ترک کنیم» و مانند آن را استعمال کن؛ زیرا این صیغه تواضع تو را به شنوندگان نشان می دهد، و اینکه خیر را برای آنان دوست داری همان گونه که برای خودت دوست داری، و اینکه تو نه از لحاظ دین و نه از لحاظ اخلاق برتر از آنان نیستی.

و خطیب موفق: سخن خود را پیش از آنکه متوجه دیگران سازد، متوجه خود می سازد، و پیش از آنکه دیگران را وعظ نماید، خود را وعظ می نماید؛ پس سخن او در خطبه هایش پیش از آنکه متوجه مردم گردد، در قدم نخست متوجه خود اوست، و اگر چنین کند، الله متعال او را بلندمرتبه می گرداند، و از آنچه می گوید وی را نفع می رساند، و بر هدایت، مقبولیت و صداقت او می افزاید.

(چه وقت تقلید در خطابه پسندیده و ناپسند است؟)

از خطیب معینی در اسلوب یا محتوایش تقلید مکن، زیرا چه بسا آنچه برای او مناسب است، برای تو مناسب نباشد، و تقلید، خلاقیت و استعدادها را تباه می‌سازد؛ پس بر اساس توانایی‌ها، استعدادها و علمی که پروردگارت به تو عطا نموده است، خطبه ایراد کن. اما در مورد شخص مبتدی: اشکالی ندارد که از لحاظ روش و محتوا از دیگری بهره ببرد، اما شایسته نیست که نسخه‌ای از او باشد، بلکه باید وی را کمکی برای ارتقای خویش قرار دهد.

(از کمی حاضران در نزد تو غمگین مباش، و به بسیاری آنان شادمان مشو).

بدان - الله متعال به وسیله تو منفعت برساند - : که نفس به کثرت شنوندگان و حاضران، مخصوصاً از اقوام و دوستان تمایل دارد، و چه بسا از حضور آنان پرسیده باشی، یا - حتی در قلب خود - به خاطر عدم حضور یکی از آنان گلایه کرده باشی، پس برای رهایی از این بیماری با نفس خود مبارزه کن، زیرا عدم حضور او در نزد تو به این معنی نیست که تو ضعیف هستی، بلکه به این دلیل است که او آسایش و فایده را نزد خطیب دیگری می‌یابد، یا به دلیل نزدیک بودن به خانه‌اش، و یا به دلایل دیگری می‌باشد.

و خطیب صادق: هرگاه بشنود که مردم نزد غیر او حاضر می‌شوند خوشحال می‌شود، و از الله متعال برای او دعای توفیق و منفعت می‌کند، و هرگاه از او خیری بداند بر او ستایش می‌کند.

و اگر کمی حاضران نزد خود و روی گردانی مردم از خود را دیدی: پس خود را محاسبه کن، زیرا ممکن است خلل از جانب تو باشد، یا از ضعف اسلوب تو، و یا از ضعف مطالبی که مطرح می‌کنی، و یا به

سبب طولانی کردن خطبه، و یا ضعف اخلاص تو، و یا به اسباب دیگر.

و از برادران صادق و نصیحت کننده نصیحت بخواه، و از آنها درخواست کن تا نزد تو حضور یابند، یا خطبه ات را بشنوند، و صادقانه از آنها بخواه تا ملاحظات و نظرات شان را به تو ارائه دهند، و به اذن الله متعال به نتایج سودمند دست خواهی یافت.

(اهمیت آمادگی خوب)

اگر از جمله کسانی هستی که خطبه را فی البداهه ایراد می کنی: باید به خوبی برای آن آمادگی بگیری، و هرگز در این امر سهل انگاری نکنی، اگرچه به نظران برسد که موضوع ساده و آسان است، و قبلاً نیز به آن پرداخته ای.

و آماده گی خوب: از لذت بخش ترین امور نزد خطبا است، بلکه آنها مشتاق روز جمعه هستند تا آنچه را که آماده کرده و برای آن زحمت کشیده اند، ارائه دهند.

و اما ادامه عدم آمادگی، و اکتفا کردن به خطبه های دیگران، پیامدهای منفی بسیاری دارد، از آن جمله:

اولاً: سبب ضعف همت، سستی اراده، و حقارت نفس می شود، به طوری که به تقلید از دیگران اکتفا می کند.

دوم: اینکه اشتیاق، نشاط و لذت را از تو سلب می کند، پس مانند اندوهی می شود که می خواهی آن را از خود رفع کنی، و این بر روش تو و پذیرش مردم از تو تأثیر می گذارد.

سوم: اینکه بسیاری از مردم احساس می کنند که خطیب خطبه را خودش آماده نکرده، بلکه آن را از دیگران نقل کرده است، و این به دلیل تفاوت اسلوب و محتوای خطبه با اسلوب و سطح اوست، پس خطبه نزد آنان مورد قبول واقع نمی شود.

چهارم: این که از آن منفعتی نخواهی برد، و اگر منفعتی هم ببری پس منفعت اندکی است، و عملی که صاحبش در تحقیق و آماده سازی آن تلاش نکند، به زودی فراموش می شود و از بین می رود. و هرگز پیشرفت نمی کنی، و آرمان تو افزایش نمی یابد، و همت تو والا نمی گردد، و از علم تو منفعتی برده نمی شود - مگر اینکه الله متعال بخواهد -.

از این رو به خطبه ای که آن را به خوبی آماده کرده اید بنگرید، درمی یابید که آن را فراموش نکرده اید، و اگر پس از سال ها به آن مراجعه کنید، آنچه را در آن است می دانید، گویی که آن را به تازگی ایراد نموده اید.

اما خطبه هایی که از دیگران نقل کرده ای، خیلی زود آنها را فراموش می کنی، و این را امتحان کن، به خطبه هایی که چهار یا پنج سال از آنها گذشته است مراجعه کن، درخواهی یافت که آنها را فراموش کرده ای یا تنها بخش اندکی از آنچه در آنها آمده است را به یاد می آوری. و همچنان از آن در جمع آوری مطالب آن نفع نخواهی برد؛ تا کتاب شود که از آن نفع ببرند.

پس در تهیه خطبه چنان تلاش کن که گویی آن را در کتابی منتشر می کنی، پس احادیث را تخریج نموده و با استعانت از کلام بعضی از محدثین درجه صحت آن را بیان کن، و مراجع و منابعی را که به آنها رجوع نموده ای مستند ساز، و از لحاظ نحوی، املائی و لغوی به آن توجه داشته باش.

(توجه به علامات ترقیم)

- هرگاه خطبه را قرائت می کنی - به علامات وقف و نشانه گذاری، از قبیل فواصل (ویرگ ها) و مانند آن توجه داشته باش، و برای خود علامات خاصی را تعیین کن تا با در نظر داشت نفس خود نزد آنها

توقف نمایی، تا با توقف‌های زیاد در مکان‌های نامناسب دچار حرج نگردی.

(اهمیت تنوع موضوعات و روش‌ها)

در طرح موضوعات تنوع ایجاد کن، و بر یک روش اکتفا مکن، مانند اینکه خطبه‌هایت در بارهٔ احوال قلب‌ها، یا امور عمومی امت، و یا امثال آن باشد، و نیاز مردم را در دین و دنیای شان در نظر بگیر. بلکه بسیار تنوع داشته باش؛ تا در دل‌های مردم شوق به خطبه‌هایت را برانگیزی.

و اگر آن را سلسله‌باهم پیوسته قرار دهی، قطع کردن آن در وقت ضرورت مانعی ندارد.

و بدان که قصه‌های برگرفته از کتاب، سنت صحیح، و اقوال صحابه کرام - رضی الله عنهم - بیشترین تأثیر را بر شنوندگان دارد، و در آن‌ها بزرگترین درس‌ها و عبرت‌ها، و موعظه‌ها و گوهرهای گرانبها وجود دارد، پس بر آن‌ها و بر طرح آن‌ها با شیوه‌ای جذاب حریص باش، و از آن‌ها فواید و عبرت‌ها را استنباط نما.

و خطبه خود را از ذکر مواقف، قصه‌ها، مثال‌های واقعی و امثال آن خالی نگذار؛ تا اینکه خطبه‌هایت خسته‌کننده و سنگین نگردد.

و بر بهترین شیوه در بیان داستان‌ها و رویدادها نهایت حریص باش، و با تمام وجود خویش با آن تعامل نما، و این امر باید در خطوط چهره و لحن صدای تان نمایان گردد.

و بکوش که با واقعیت و دغدغه‌های مردم زندگی کنی، تا تو در یک وادی نباشی و آنان در وادی دیگری.

(اهمیت کسب مهارت‌ها و فنون سخنرانی و تأثیرگذاری)

شایسته‌ترین افراد برای کسب مهارت‌ها و فنون سخنوری خطیب است؛ زیرا خطیب نیاز دارد تا مردم را قانع سازد و توجه آنان را جلب نماید، تا آنچه را به آنان می‌گوید قبول کنند.

و خطیب دارای اسلوب قوی و القای بدیع، غالباً مردم از وی بیشتر از کسی بهره می‌برند که این ویژگی را ندارد، اگرچه علم بیشتر و منصب بلندتری داشته باشد.

پس خطیب باید به درس‌هایی در فن بیان گوش فرا دهد، و اگر در آنها حضور یابد بهتر است، یا کتاب‌های مربوط به آن را مطالعه کند. و کسیکه با الله متعال صادق باشد و جان و وقت خویش را به او ببخشد، الله متعال از لطف و فضل خویش چیزی به او می‌بخشد که در گمانش نبوده و در خاطرش خطور نکرده باشد، و کسیکه آنچه را الله متعال دوست دارد به او تقدیم نماید، الله متعال فراتر از آنچه او دوست دارد به وی عطا می‌کند، و کسیکه نفس خویش را مسخر الله متعال گرداند، الله متعال مخلوقاتش را مسخر وی نموده، و اسباب خوشبختی، بلند مرتبگی و اقتدار را برایش مسخر می‌سازد.

پس میان تو و مواهب پروردگار با عظمت چیزی نیست مگر راستی عزم، و قوت اراده به خاطر الله متعال، و ترک آنچه دوست داری و می‌خواهی به خاطر آنچه الله متعال دوست دارد و به آن خشنود است، و تلاش پیگیر برای بلندی دین و شریعت او، اگرچه این کار منجر به پایین آمدن مقامت در نزد اهل دنیا و پیروان هوا و هوس و صاحبان منصب گردد.

(مبدأ تجدید)

الله متعال انسان را دوستدار نوآوری و تغییر به سوی بهتر شدن آفریده است، پس مردم را می بینی که بر یک حالت ثابت نمی مانند، و هرگاه چیز جدیدی در زندگی پدید آید، در صورت توانایی برای به دست آوردن آن می شتابند.

پس مرد امروز همان کسی نیست که ده سال پیش بود، بلکه امروز او را می یابی که مظاهر زندگی، معیشت، مرکب و خانه اش را به سوی بهتر شدن نو ساخته و تغییر داده است.

و خطیب جمعه: از سزاوارترین افراد در تجدید و بهبود روش خویش، و توسعه مهارت های بیان و تأثیرگذاری است؛ زیرا اگر او بر همان یک روشی که از زمان به دست گرفتن زمام خطابت بر آن خود گرفته است پیش برود، بی تردید رو به بهتر شدن تغییر نخواهد کرد، بلکه پس رفت خواهد نمود؛ زیرا از طبیعت انسان این است که با گذشت عمر و بالا رفتن سن، همت و نشاط او ضعیف می گردد، روحش پژمرده می شود و تأثیرش کاهش می یابد، پس او به چیزی نیاز دارد که وی را با نشاط سازد، همت و روحش را تقویت کند، و مهارت ها و روش هایش را پرورش دهد، تا بر حالت های ضعیفی که بر او و بر حواس و همتش عارض می گردد، غلبه کند.

و بیشتر خطیبان از زمانی که شروع به خطابت کرده اند، تغییر واضحی نکرده اند، پس آیا این بدان معناست که آنان از همان آغاز به کمال رسیده بودند؟

نخیر.

پس چرا بر روشی که به آن عادت کرده است باقی می ماند، و در سبک و شیوه ارائه خود بازنگری نمی کند، و گام های صحیحی در

راستای بهبود، تجدید و ابتکار برنمی‌دارد، در حالی که برای بهبود امور معیشتی و دنیوی خویش سخت تلاش کرده است؟ و چگونه برای آن تلاش نکند، در حالی که مقام خطبه از شریف ترین و بزرگ ترین اعمالی است که در زندگی خویش انجام می دهد؟

(توجه به دو ابزار از ابزارهای تأثیرگذاری: صدا و نگاه)

خطیب موفق به استفاده از این دو ابزار نیاز مبرم دارد:
1- صدا، که قوی ترین ابزار تأثیرگذاری است، و تأثیر آن با رعایت موارد ذیل تکمیل می گردد:

الف- سطح صدا در بلندی و پستی، و سرعت و کندی متوسط باشد، پس نه پایین یا کند باشد که شنوندگان را دچار خستگی و سستی کند، و نه به حدی بلند یا سریع باشد که باعث آزار آنان گردد یا قدرت تمرکز و درک را از ایشان بگیرد.

ب- اینکه یکنواخت نباشد، زیرا صدای بعضی از خطیبان در تمام خطبه یکنوع است، پس اگر ضعیف باشد آنان را خسته می‌سازد، و اگر قوی و بلند باشد باعث ناراحتی شان می‌گردد.

و سخن گفتن با لحن یکنواخت: باعث می‌شود شنوندگان تعامل خود را با سخن خطیب از دست بدهند؛ زیرا آنان نخواهند توانست میان بخش‌های مهم و غیر مهم تمایز قائل شوند، و شکی در این نیست که سخن مهم و تأثیرگذار، نیازمند بلند کردن قابل ملاحظه صدا همراه با سرعت بخشیدن به آن، و یا پایین آوردن آن همراه با آهسته کردن آن است.

ج- تنظیم صدای جملات مطابق موقعیت آن‌ها، پس اگر پرسشی باشد آن را در سیاق پرسشگر بیان کن، و اگر تعجبی باشد آن را در سیاق تعجب‌کننده بیان کن، و به همین ترتیب.

د- دهان خود را بیشتر از هنگام سخن گفتن عادی باز کنید، زیرا این امر برای وضوح مخارج حروف، عدم تداخل آن‌ها و توانایی کنترل صدا مفید است؛ اما بدون زیاده روی، زیرا زیاده روی در باز کردن دهان منجر به هیجان افراطی گردیده و منظره‌ای نا شایسته برای خطیب ایجاد می‌کند.

ه- با صدای معمول خود خطبه ایراد کن، و برای خطبه صدا و شیوه‌ی ادای مختص به آن قرار نده، که این امر سبب به وجود آمدن فاصله‌ای میان تو و مردم، و سبب از دست دادن قوی‌ترین ابزارهای تأثیرگذاری بر شنوندگان می‌شود.

و اندکی توقف کردن در حالاتی که توقف در آن‌ها مناسب است، پس هرگاه خطیب به مطلب مهمی برسد که بخواهد آن را در اذهان شنوندگانش راسخ سازد: به آنان توجه نموده و برای لحظه‌ای مستقیماً به چشمانشان خیره شود، بدون اینکه چیزی بگوید.

و این خاموشی ناگهانی تأثیر بزرگی بر آنان دارد، به گونه‌ای که توجه آنان را جلب نموده و هر یک از آنان را برای آنچه در پی آن خاموشی خواهد آمد، متوجه و آماده می‌سازد.

اما توقف باید بدون فاصله طولانی و بدون تکلف باشد. نمونه‌ی آن: (علی - رضی الله عنه - قطعه‌ای از طلا را برای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرستاد، پس آن را بین برخی از اصحاب خود تقسیم کرد.

پس مردی آمد و گفت: از الله بترس، ای رسول الله! (...)
چه جسارتی در حق صادق امین صلی الله علیه وسلم!!
و به همین دلیل رسول الله صلی الله علیه وسلم با تعجب از این جرأت فرمودند: (...) چه کسی الله را اطاعت می‌کند اگر من نافرمانی کنم، آیا الله مرا بر اهل زمین امین می‌داند پس شما مرا امین نمی‌دانید؟)

آنچه در میان دو قوس است به وقفه‌ای کوتاه اشاره دارد؛ زیرا مقام برای جلب توجه شنوندگان و مشتاق ساختن آنان به آنچه پس از آن گفته خواهد شد، چنین اقتضا می‌کند.

و جمله اول: (چه جرأتی در حق صادق امین صلی الله علیه وسلم!!)، اسلوب تعجب بود، پس مقام تقاضا می‌کند که آن را به شیوه شخص متعجب جمله‌بندی کند.

و جمله دوم: (اگر من نافرمانی کنم چه کسی الله را اطاعت می‌کند، آیا الله مرا بر اهل زمین امین می‌داند و شما مرا امین نمی‌دانید؟)، دارای اسلوب استفهام انکاری بود، پس مقام ایجاب می‌کند که آن را به گونه پرسش‌کننده انکارگر جمله‌بندی کند.

2- نگاه: و آن با توزیع نگاه بر عموم شنوندگان، و اینکه با چشم‌هایت با سخنی که بیان می‌کنی تعامل داشته باشی، و آن چنین است:

الف- با نگاه کردن اندک به راست و چپ، بدون مبالغه در سرعت یا کثرت نگاه کردن، زیرا این کار به طور خاص برای خطیب پسندیده نیست؛ چرا که دلالت بر غلبه عواطف خطیب و تسلط آن بر وی دارد، و این امر منجر به عدم دقت در تمرکز می‌گردد.

ب- با باز کردن چشم یا اندکی فشار دادن آن، و حرکات چشم بیشترین تأثیر را بر حاضران دارد، و از آن معانی‌ای را الهام می‌گیرند که ممکن است زبان از بیان آن‌ها قاصر باشد.

صدا و نگاه: دو رکن اساسی از ارکان تأثیر خطیب بر شنوندگان می‌باشند و بدون آن دو، توانایی رساندن آنچه را که می‌خواهد به آنان از دست می‌دهد، و توانایی قانع ساختن، جلب توجه، و برانگیختن شور و نشاط آنان را از دست می‌دهد.

و برای هر خطیب امکان دارد که از آن دو بدون حرج و تکلف استفاده نماید، اما بدون مبالغه؛ زیرا مبالغه در آن نشان دهنده سبکی و سبکسری است، همانگونه که مبالغه در وقار و آرامش موجب خستگی و ملالت می گردد، و بهترین امور میانه آنهاست. و بعضی از وسایلی وجود دارد که مناسب خطیب جمعه نیست، از جمله:

- 1- حرکت دادن دست ها.
- 2- حرکت دادن چپن و یا عمامه، و عبث با بلندگوها، و پیش و پس رفتن، و مانند آن.

(به صیغه معینی که با سنت صحیح ثابت نشده است، پابند نباش)

نباید به صیغه معینی التزام نمود، مگر آنچه به سنت صحیح ثابت شده است، تا گمان نرود که آن سنت است، مانند گفتن: **بَارَكَ اللهُ لِي وَلَكُمْ فِي الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ**.. در پایان خطبه اول.

و بسیاری اوقات برخی از خطبا در آخر خطبه به دعایی التزام می ورزند که تقریباً از آن خارج نمی شوند، و برخی از آنان این دعای تکراری را طولانی می سازند، تا جایی که بسیاری از مردم هنگامی که خطیب دعا را آغاز می کند، احساس دلتنگی و ملالت می نمایند؛ زیرا از کثرت تکرار آن با اسلوبی که بیان یکنواخت بر آن غالب است و فاقد تعامل مطلوب در دعا می باشد، خسته شده اند.

(۲۱) (توجه به مخارج حروف و عدم تداخل آنها)

مواظب باش که حروف را به درستی از مخارج شان تلفظ کنی، زیرا این امر تأثیر بسزایی در فصاحت و بیان و قدرت کلام دارد.

و از جمله مواردی که بر خطیب ایراد گرفته می‌شود: اینکه کلمات را با شتاب ادا کند، تا جایی که حرف یا کلمه‌ای را به حرف یا کلمه بعدی متصل سازد، پیش از آنکه حرف یا کلمه اول در جایگاه خود استقرار یابد؛ و ادب نیکو آن است که حروف را با استواری کامل ادا نموده و کلمات را کاملاً از یکدیگر تفکیک نماید.

و کلام فصیح ترین مخلوقات (صلوات و سلام الله بر او باد) نیز چنین بود.

مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها فرمود: «همانا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - سخن را مانند شما پی در پی بیان نمی‌کرد».

(مقصود خطبه، و مهم‌ترین موضوعاتی که بر خطیب واجب است به آن‌ها بپردازد)

خطیب باید مردم را از عالم دنیا و دغدغه‌ها و حوادث آن به عالم آخرت و آمادگی برای آن منتقل کند، و مسجد نباید منبری رسانه‌ای باشد که خطیب در آن به امور سیاسی بپردازد و وارد مسائلی شود که برای شنوندگان در دین و دنیایشان نفعی ندارد.

و خطیب موفق بیشتر خطبه هایش در مواردی است که ایمان و تعلق به الله متعال را افزایش می‌دهد؛ زیرا مردم هرگاه ایمان شان زیاد شود و تعلق شان به پروردگارشان بیشتر گردد، این بزرگترین سبب در ترک گناهان و امور بیهوده خواهد بود.

و از موضوعاتی که خطیب نباید از آن غافل شود و باید همواره آن را تکرار کند:

توحید و ارکان اسلام.
طریقه نماز و اهمیت خشوع در آن.

موضوعات موسم ها، مانند سخن در مورد فضیلت ماه رمضان
هنگامی که وقت آن فرا می رسد.

هشدار از فتنه ها و چگونگی برخورد با آن.

هشدار از بدعت ها.

هشدار از مکر شیطان و راه های اغوای او.

اخلاق و آداب و آنچه مربوط به آن است.

و از جمله موضوعاتی که ایمان و تعلق به الله متعال را می افزاید:

1- تعظیم الله با ذکر صفات و نعمت های او در نفس های مردم.

2- گرامی داشتن قرآن کریم که کلام اوست.

3- ذکر قصه های پیامبران علیهم السلام، و در رأس آنان آخرین

شان پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم -، و صحابه کرام - رضی
الله عنهم -.

4- ذکر بهشت و صفات آن و اسباب ورود به آن، و همچنین

دوزخ.

5- توجه به عبادات قلبی: مانند توکل، انابت، توبه، خشیت و

خشوع.

علامه ابن القیم -رحمه الله- فرمود: «و هر کس در خطبه های

پیامبر صلی الله علیه وسلم و خطبه های اصحابش تأمل کند، آنها را

متکفل بیان هدایت و توحید، ذکر صفات پروردگار (جل جلاله)،

اصول کلی ایمان، دعوت بسوی الله (متعال)، ذکر نعمت های الله

(تعالی) که او را نزد مخلوقاتش محبوب می سازد، و یادآوری ایام (و

وقایع هشدار دهنده) او که آنان را از عذابش می ترساند، و امر به ذکر

و شکر او که آنان را نزد وی محبوب می گرداند، می یابد؛ پس آنان از

عظمت الله، صفات و نام های چیزهایی را ذکر می کنند که او را نزد

مخلوقاتش محبوب می سازد، و به اموری از طاعت، شکر و ذکر او

فرمان می‌دهند که آنان را نزد وی محبوب می‌گردانند، در نتیجه شنوندگان در حالی برمی‌گردند که الله را دوست دارند و الله نیز آنان را دوست دارد.»

«سپس زمان طولانی شد و نور نبوت پنهان گردید، و شرایع و اوامر به رسومی تبدیل شدند که بدون رعایت حقایق و مقاصد شان برپا می‌شوند، پس به آنها صورت ظاهری شان را دادند، و با آنچه توانستند مزین شان ساختند، پس رسوم و اوضاع را سنت هایی قرار دادند که نباید در آنها اخلال گردد، و در مقاصدی که نباید در آنها اخلال می‌شد، اخلال نمودند، پس خطبه ها را با سجع و علم بدیع آراستند، پس سهم قلب ها از آن کاهش یافت؛ بلکه از بین رفت، و مقصود از آن فوت گردید» ا.ه.

و رحمه الله در سخنان خود در مورد مقصود خطبه فرمود: «هدف از آن ثنا و تمجید الله متعال، گواهی دادن به یگانگی او و به رسالت رسول الله صلی الله علیه وسلم، یادآوری بندگان به ایام او، هشدار دادن آنان از قهر و انتقام او، سفارش آنان به آنچه ایشان را به او و بهشت هایش نزدیک می‌سازد، و نهی آنان از آنچه ایشان را به خشم و آتش او نزدیک می‌کند، می‌باشد؛ پس این است مقصود خطبه و جمع شدن برای آن» ا.ه.

و خطیب باید مردم را متوجه اشتباهات رایج در میان شان در عقیده، عبادات، اخلاق، تعامل، معیشت، تربیت و مانند آن سازد، و آنان را از فرو رفتن در فتنه ها برحذر دارد، و امور دین شان را برایشان تعلیم دهد.

والله أعلم، و صلی الله وسلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه اجمعین.

فهرست

- 3.....(اهمیت خطبه)
- 6.....(فرشتگان رحمان به تو گوش فرا می‌دهند، پس قدر آنها را بدان)
- 7.....(کدام افضل است: ارتجالی خواندن خطبه یا خواندن آن از روی ورق؟)
- 8.....(هشت گامی که راه را به سوی اجرای موفق در خطابت آسان و هموار می‌سازد)
- 10.....(اضطراب و نگرانی در آغاز ایراد خطبه ها امری معمول و عادی است)
- 11.....(اسباب رهایی از ترس مفرط از سخنرانی)
- 14.....(بهترین راه حل برای انتقادات اشتباهی که به تو می‌رسد)
- 14.....(توصیه هایی برای خطیب قبل از خطبه)
- 18.....(توصیه هایی برای خطیب در جریان خطبه)
- 19.....(وصایایی برای خطیب بعد از خطبه)
- 20.....(نصایح عمومی برای خطیب و داعی بسوی الله)
- 20.....(بشارت ده و متنفر کننده نباش)
- 21.....(عامه مردم را نصب العین خود قرار ده)
- 22.....(از خودبینی یا مغرور شدن به مدح مردم از خودت برحذر باش)
- 24.....(از چیزی سخن بگویند که در دین و دنیایشان به آنها نفع برساند)
- 25.....(حفظ آرامش هنگام خطبه)
- 25.....(پرهیز از طولانی کردن خطبه)
- 26.....(از سخنان نا آشنا دوری کن)
- 27.....(از تکلف سجع دوری کن)
- 27.....(توجه به صلاح ظاهر)
- 29.....(تفاوت زمان آماده سازی خطبه)
- 30.....(دوری از دستورات مستقیم به شنوندگان)
- 31.....(چه وقت تقلید در خطابه پسندیده و ناپسند است؟)

- 31 .. (از کمی حاضران در نزد تو غمگین مباش، و به بسیاری آنان شادمان مشو)
- 32 (اهمیت آمادگی خوب)
- 33 (توجه به علامات ترقیم)
- 34 (اهمیت تنوع موضوعات و روش ها)
- 35 (اهمیت کسب مهارت ها و فنون سخنرانی و تأثیرگذاری)
- 36 (مبدأ تجدید)
- 37 (توجه به دو ابزار از ابزارهای تأثیرگذاری: صدا و نگاه)
- 40 (به صیغه معینی که با سنت صحیح ثابت نشده است، پابند نباش)
- 40 (توجه به مخارج حروف و عدم تداخل آنها) (۲۱)
- (مقصود خطبه، و مهم ترین موضوعاتی که بر خطیب واجب است به آنها پردازد)
- 41